

نگاه

از شالیزار تا ویلا

سرمایه چگونه روستاهای گیلان را تغییر می‌دهد؟

محمد صالح‌زاده

پژوهشگر مسائل شهری

صبح زود است. حرارت گرمای تابستان هنوز از شالیزارها بیرون نزده. صفرعلی، مثل بسیاری از کشاورزان گیلان، سال‌ها زمین را با دست‌های خودش شخم زده است؛ زمینی که از پدرش به ارث رسیده و بیش از آنکه سند مالکیت باشد، بخشی از هویت خانواده‌اش بود. او می‌دانست هر وجب از این خاک چه خاطره‌ای دارد؛ فصل‌های نشاء، روزهای برداشت، صدای کارگران در مزرعه و عطر جوگول در بیجار. چند سال پیش، وقتی بمباری همسرش هزینه‌ای فرا تر از توان خانواده تحمیل کرد، همان زمینی که روزگاری پشتوانه زندگی بود، تبدیل به آخرین امکان نجات شد. بخشی از شالیزار فروخته شد، نه از سر میل، بلکه از سر اجبار. صفرعلی زمین را از دست داد تا زندگی را حفظ کند.

در نگاه نخست، فروش زمین‌های کشاورزی در گیلان، تصمیمی شخصی و ناشی از مشکلات معیشتی یک خانواده روستایی به نظر می‌رسد، اما اگر اندکی از سطح روایت فاصله بگیریم، با پدیده‌ای روبه‌رو می‌شویم که ریشه در اقتصاد سیاسی فضا دارد. آنچه امروز در گیلان رخ می‌دهد، فقط جابه‌جایی مالکیت چند قطعه زمین نیست، بلکه تغییر کارکرد «زمین» از یک عامل تولید به یک دارایی سرمایه‌ای است. این دگرگونی نه‌تنها آینده کشاورزی، بلکه سازمان فضایی، هویت اجتماعی و امنیت غذایی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. کارل پولانی در کتاب «دگرگونی بزرگ»، از زمین به عنوان «کالای موهوم» یاد می‌کند؛ کالایی که برخلاف کالاهای متعارف، برای فروش تولید نشده است. زمین بخشی از طبیعت، بستر زندگی و زیست‌بوم جوامع انسانی است. هنگامی که زمین صرفا به موضوع خرید و فروش و انباشت سرمایه تبدیل می‌شود، جامعه ناگزیر هزینه‌های سنگینی را می‌پردازد. امروز در گیلان دقیقا با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم. شالیزار و باغ، دیگر فقط محل تولید برنج، جای با فندق نیستند، بلکه به دارایی‌هایی تبدیل شده‌اند که ارزششان بیش از آنکه از تولید ناشی شود، از امکان تغییر کاربری و ساخت‌وساز سرچشمه می‌گیرد. آنچه امروز در بسیاری از روستاهای گیلان رخ می‌دهد، فقط ساخت چند ویلای جدید یا تغییر سیمای روستا نیست، بلکه انتقال تدریجی سرمایه، مالکیت و قدرت تصمیم‌گیری از جامعه تولیدکننده بومی به سرمایه‌گذاران غیربومی است؛ فرایندی که اگر مهار نشود، پیامدهای آن فرا تر از مرزهای استان گیلان خواهد بود. اقتصاد سنتی روستاهای گیلان زمانی بر ترکیبی از کشاورزی، صنایع دستی، مشاغل خرد و شبکه‌های محلی مبادله استوار بود. این ساختار، هر چند درآمد بالایی ایجاد نمی‌کرد، اما امکان تداوم زندگی روستایی را فراهم می‌کرد. امروز اما بخش مهمی از این نظام اقتصادی تضعیف شده است. افزایش هزینه‌های درمان، آموزش، ازدواج، مسکن و بیکاری نسل جوان، کشاورز را در موقعیتی قرار داده که زمین دیگر نه ابزار تولید، بلکه آخرین دارایی قابل تبدیل به پول نقد است. این روند را می‌توان با تحلیل‌های دیوید هاروی نیز توضیح داد. هاروی نشان می‌دهد سرمایه، هنگام کاهش سود در بخش‌های تولیدی، به سمت بازار زمین و مستغلات حرکت می‌کند. در چنین شرایطی، فضا خود به میدان سرمایه‌گذاری بدل می‌شود. مهاجرت سرمایه از کلان‌شهرهای گرفتار بحران آب، آلودگی هوا و کاهش کیفیت زندگی به استان‌های شمالی، بخشی از همین منطق است. سرمایه‌ای که می‌توانست در تولید کشاورزی یا صنایع محلی و علی‌الخصوص صنایع تبدیلی به کار گرفته شود، عمداً به خرید زمین، تغییر کاربری و ساخت ویلا اختصاص می‌یابد؛ زیرا باره‌ان آن بسیار بیشتر و ریسک آن کمتر است. اما مسئله بازار زمین و سرمایه نیست؛ مسئله نابرابری قدرت میان خریدار و فروشنده است. کشاورز گیلانی معمولاً زمانی زمین خود را عرضه می‌کند که در تنگنای معیشتی قرار گرفته است؛ هزینه درمان، ازدواج فرزندان، بیکاری یا کاهش درآمد کشاورزی، او را به فروش آخرین دارایی مولدش سوق می‌دهد. در مقابل، خریدار غیربومی با سرمایه، اطلاعات و افق سرمایه‌گذاری بلندمدت وارد معامله می‌شود. این یک مبادله برابر نیست؛ انتقال آرام مالکیت از تولیدکننده به سرمایه‌گذار است. پیامد این روند نقطه کاهش سطح زیر کاشت نیست، روستا نیز کارکرد تاریخی خود را از دست می‌دهد. جامعه‌ای که زمانی بر تولید، همکاری و پیوندهای اجتماعی استوار بود، آرام‌آرام به مجموعه‌ای از ویلاهای فصلی و سکونتگاه‌های موقت تبدیل می‌شود. در چنین فضایی، بسیاری از عناصر هویت روستایی، از صنایع دستی و بازارهای محلی گرفته تا فرهنگ کار جمعی، بیش از آنکه بخشی از زندگی روزمره باشند، به نمادهایی فولکلوریک برای مصرف گردشگری تبدیل می‌شوند. هانری لوفور نیز هشدار می‌دهد فضا هرگز خنثی نیست؛ فضا محصول روابط قدرت است. هنگامی که روستا از محل تولید به عرصه مصرف، تفریح و سکونت فصلی تبدیل می‌شود، فقط کالبد آن تغییر نمی‌کند؛ شیوه زندگی، روابط اجتماعی و حافظه جمعی نیز دگرگون می‌شود. روستایی که زمانی بر پایه کار، تولید و همبستگی اجتماعی شکل گرفته بود، آرام‌آرام به مجموعه‌ای از ویلاهای پرآکنده بدل می‌شود؛ جایی که حضور مالکان غالباً فصلی است و اقتصاد محلی نیز به حدت‌نا وابسته به این الگوی سکونت محدود می‌شود. در این میان، پدیده‌ای رخ می‌دهد که می‌توان آن را «انباشت از طریق سلب مالکیت» نامید؛ مفهومی که هاروی برای توضیح انتقال منابع از گروه‌های کم‌قدرت به صاحبان سرمایه به کار می‌برد. البته در گیلان این فرایند الزاماً با زور یا تصرف مستقیم همراه نیست، بلکه از مسیر فشارهای اقتصادی، ضعف حمایت‌های اجتماعی و جذابیت سودهای غیرمولد عمل می‌کند. کشاورز زمین را می‌فروشد تا از بحران امروز عبور کند، اما جامعه بخشی از ظرفیت تولید فریاد خود را از دست می‌دهد. کشور این روند فقط کاهش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی و امنیت غذایی نیست. گیلان به‌تدریج در معرض دگرگونی کارکردی قرار می‌گیرد؛ از سرزمین تولید به مقصد سرمایه‌گذاری ملکی. در چنین شرایطی، صنایع دستی، بازارهای محلی، آیین‌های کشاورزی و حتی سیمای روستا، بیش از آنکه عناصر یک جامعه زنده باشند، به بخشی از ویترین گردشگری تبدیل می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند، بازنمایی فرهنگ است، نه استمرار آن.

خبر

مرگ پلنگ ایرانی در ارتفاعات عباس‌آباد ناین

ایران، رئیس اداره حیات وحش اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفت: «لاشه یک قلاهد پلنگ ایرانی در ارتفاعات عباس‌آباد ناین پیدا شده که براساس بررسی‌های کارشناسی و معاینات اولیه، هیچ‌گونه آثار قابل مشاهده‌ای از تیراندازی، اصابت گلوله، ضربه یا سقوط در بدن این حیوان مشاهده نشده». مرتضی جوهری ادامه داد: «پس از اطلاع از مشاهده یک قلاهد پلنگ پنج‌ساله در ارتفاعات عباس‌آباد ناین از سوی محیط‌بانان در گردش روزانه، موضوع بررسی شد و وضعیت لاشه این حیوان مورد ارزیابی قرار گرفت». او افزود: «این پلنگ در کنار لاشه قوچ پیدا شده که به احتمال قوی شکار حیوان بوده است. پس از بررسی‌های انجام‌شده، آثار مشخصی از تیراندازی یا اصابت گلوله روی بدن پلنگ مشاهده نشد و همچنین نشانه‌ای که بیانگر واردشدن ضربه شدید، سقوط از ارتفاع یا آسیب‌دیدگی ناشی از عوامل خارجی باشد، وجود نداشت». رئیس اداره حیات وحش اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان با بیان اینکه وضعیت ظاهری بدن حیوان سالم بوده است، افزود: «بررسی‌های انجام‌شده، وجود علائم ظاهری ناشی از برخورد یا جراحات شدید را تأیید نمی‌کند و در مجموع، مورد مشاهده‌شده از نظر ظاهری کاملاً سالم بوده است».

گزارش «شرق» از ماجرای راه‌اندازی باغ وحش انزلی بدون مجوز؛ سازمان محیط زیست بر تعطیلی این مکان تأکید می‌کند

افتتاح مخفیانه یک باغ وحش غیرقانونی

زیب رحیمی: از کنار باغ وحش تازه‌تأسیس بندرانزلی نباید به‌سادگی عبور کرد؛ زیرا در حالی که سازمان حفاظت محیط زیست ادعا می‌کرد قصد ندارد مجوز باغ وحش جدیدی را صادر کند، حالا فیلم‌های متعددی در فضای مجازی منتشر شده که بیانگر افتتاح یک باغ وحش جدید در بندرانزلی است. البته سازمان محیط زیست همچنان اصرار دارد مجوزی برای تأسیس و راه‌اندازی باغ وحش در بندرانزلی نداده است اما این باغ وحش حالا هم بازگشایی شده و هم اینکه تعداد قابل توجهی از بلاگرها با حضور در این باغ وحش به تولید فیلم‌های تبلیغاتی برای این مجموعه دست زده‌اند. سازمان محیط زیست تأکید می‌کند مجوزی برای ساخت باغ وحش و حتی باغ پرندگان در بندرانزلی نداده و این مجموعه با مجوز غیرقانونی سازمان منطقه آزاد انزلی، ساخته شده است.

سازمان محیط زیست بعد از همه خبردار شد

اگر اظهارات مدیران سازمان محیط زیست را درست فرض کنیم، پرسش مهم این است که چرا این سازمان تاکنون از مجموعه بزرگی که شاید ساخت آن بیش از دو سال طول کشیده، خبر نداشته است؟ فرهاد حسینی طایفه، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گیلان در پاسخ به این پرسش «شرق» با اشاره به اینکه در طرح جامع منطقه آزاد انزلی یک باغ پرندگان مصوب شده است، می‌گوید: «این مجموعه در قالب طرح جامع منطقه آزاد انزلی احداث شده، اما این موضوع به معنای دریافت مجوزهای قانونی از سازمان حفاظت محیط زیست نیست. متأسفانه در بسیاری از پروژه‌های عمرانی منطقه آزاد، ابتدا ساخت‌وساز انجام و سپس به موضوع مجوزها پرداخته می‌شود. از نظر ما، هرگونه اظهار نظر درباره نگهداری گونه‌های جانوری منوط به دریافت مجوزهای قانونی است».

اگر قرار بود باغ پرندگان را هر مرکز دیگری ساخته شود، باید پیش از هر اقدامی سازمان حفاظت محیط زیست در جریان قرار می‌گرفت و در صورت صلاحدید مجوزهای لازم را صادر می‌کرد. اینکه مجموعه ساخته شود، حیوانات منتقل شوند و سپس از محیط زیست درخواست اعلام استاندارد یا صدور مجوز شود، به طور واضح نادیده‌گرفتن جایگاه قانونی سازمان حفاظت محیط زیست است.

باغ وحش بندرانزلی متخلف است

حسینی طایفه در پاسخ به این پرسش که چه زمانی از روند احداث باغ وحش در بندرانزلی مطلع شده است، توضیح می‌دهد: «تا چند ماه پیش هیچ گزارشی درباره این موضوع وجود نداشت. این پروژه در فضایی کاملاً محصور و پشت چندین لایه دیوار در منطقه آزاد انزلی در حال اجرا بود. چند ماه پیش، زمانی که موضوع درخواست مجوز مطرح شد، به مسئولان مجموعه اعلام کردیم باید مجوزهای قانونی را دریافت کنند، اما پس از آن، سازمان حفاظت محیط زیست رسماً اعلام کرد برای این مجموعه مجوزی صادر نخواهد شد. از آن زمان به بعد، هرگونه نگهداری حیوانات در این محل از نظر ما تخلف محسوب می‌شود و به مراجع قضایی گزارش خواهد شد».

این مقام مسئول در محیط زیست استان گیلان با اشاره به بازدید کارشناسان این اداره در هفته‌های گذشته از باغ وحش انزلی و با بیان اینکه جلسه‌ای برای بررسی ابعاد حقوقی موضوع برگزار خواهد شد تا اقدامات قانونی از طریق مراجع ذی‌صلاح دنبال شود، می‌گوید: «بر اساس قوانین فعالیت چنین مرکزی بدون مجوز سازمان حفاظت محیط زیست وجاهت قانونی ندارد

و موضوع باید از طریق مراجع قضایی پیگیری شود. موضوع صدور مجوز توسط منطقه آزاد انزلی را هم از طریق دستگاه قضایی پیگیری خواهیم کرد».

شکایت از باغ‌وحش‌دار در دستور کار

فرهاد حسینی طایفه، مدیر کل محیط زیست استان گیلان در پاسخ به این پرسش که شکایت محیط زیست با چه عناوین مجرمانه‌ای مطرح خواهد شد، می‌گوید: «موضوع شکایت، احداث و بهره‌برداری از مرکز نگهداری حیات‌وحش بدون دریافت مجوز قانونی از سازمان حفاظت محیط زیست است. همچنین موضوع صدور مجوز از سوی منطقه آزاد نیز در دست بررسی است و علیه این موضوع نیز شکایت قانونی مطرح خواهد شد. در این باره با همکاران حقوقی نیز هماهنگی‌های لازم انجام و شکایت تنظیم شده است».

به نظر می‌رسد در ماجرای ساخت غیرقانونی باغ وحش انزلی یک متخلف با همدستی سازمان منطقه آزاد انزلی دست به کاری زده که کل سیاست‌گذاری سازمان محیط زیست را به‌سخره گرفته است. در واقع بهره‌بردار باغ وحش بندرانزلی عملاً اعلام می‌کند نیازی به مجوز سازمان حفاظت محیط زیست ندارد؛ چون بدون مجوز باغ وحشی ساخته شده، حیوانات از تهران به گیلان منتقل شده‌اند، تبلیغات گسترده برای آن انجام شده و از مردم برای بازدید دعوت می‌شود. در حالی که هیچ مجوزی برای هیچ‌یک از این اقدامات صادر نشده است. این موضوع ماهیت و حیثیت سازمان محیط زیست را نشانه گرفته و بسیار نگران‌کننده است.

شکایت از باغ‌وحش انزلی در اسرع وقت

معصومه صفایی، مدیر دفتر حفاظت و مدیریت صید و شکار سازمان حفاظت محیط زیست نیز با انتقاد از راه‌اندازی باغ وحش انزلی بدون گرفتن مجوزهای قانونی، از تشکیل پرونده قضایی، شکایت رسمی اداره‌کل حفاظت محیط زیست گیلان و بررسی ابعاد مختلف این پرونده خبر می‌دهد. صفایی در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر اینکه تمام مستندات این پرونده بررسی شده است، می‌گوید: «حتی در حکم صادرشده از سوی مرجع قضایی نیز تصریح شده بود انتقال گونه‌های جانوری باید با همراهی یگان حفاظت محیط زیست انجام شود، در حالی که بهره‌بردار بدون اطلاع سازمان حفاظت محیط زیست این اقدام را انجام داده است». او این‌طور ادامه می‌دهد: «حتی در مجوز صادرشده از سوی منطقه آزاد انزلی برای این مجموعه نیز قید هماهنگی با سازمان حفاظت محیط زیست ذکر شده است. بنابراین، هم در حکم قضایی برای انتقال حیوانات به بندرانزلی و هم در مجوز منطقه آزاد، نقش و حضور سازمان حفاظت محیط زیست تصریح شده بود، اما با وجود این، مجموعه به‌صورت ناگهانی افتتاح شد. در شرایطی که همچنان مذاکرات و رایزنی‌ها میان بهره‌بردار و سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داشت». صفایی تأکید می‌کند: «هفته‌گذشته در سازمان حفاظت محیط زیست در جلسه‌ای که با حضور دفتر بازرسی سازمان برگزار شد، تصمیم گرفته شد برای این مجموعه پرونده قضایی تشکیل شود. پس از آن نیز با مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان گفت‌وگو و مقرر شده است اداره‌کل نیز به صورت رسمی از بهره‌بردار شکایت کند». او با اشاره به گفت‌وگوی خود با مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان می‌گوید: «به او تأکید کردم افتتاح این مجموعه در شرایطی که سازمان صراحتاً اعلام کرده بود راه‌اندازی باغ وحش مجاز نیست، مصداق بی‌اعتنایی آشکار به سازمان حفاظت محیط زیست است. از همین رو درخواست کردم شکایت رسمی علیه بهره‌بردار در اسرع وقت انجام شود». به گفته او، بهره‌بردار باغ وحش انزلی هم حکم مرجع قضایی را نقض کرده، هم شرایط مندرج در مجوز منطقه آزاد را رعایت نکرده و علاوه بر آن، اساساً بدون دریافت مجوز سازمان حفاظت محیط زیست اقدام به راه‌اندازی چنین مرکزی کرده است. چنین ضوابط استقرا این مجموعه می‌نحل ایراد و ابهام است و بر همین اساس مقرر شده پرونده قضایی تشکیل شود.

صفایی در ادامه با انتقاد از عملکرد منطقه آزاد انزلی، ادامه می‌دهد: «انتظار چنین برخوردی از طرف سازمان منطقه آزاد انزلی وجود نداشت، زیرا تا پیش از این تعاملاتی میان دو مجموعه برقرار بوده». به گفته او، روند کار به این شکل بوده که ابتدا مجموعه ساخته شده، حیوانات به آن منتقل شده‌اند و سپس موضوع به سازمان حفاظت محیط زیست اطلاع داده شده است.

گزارش «شرق» از ماجرای راه‌اندازی باغ وحش انزلی بدون مجوز؛ سازمان محیط زیست بر تعطیلی این مکان تأکید می‌کند

افتتاح مخفیانه یک باغ وحش غیرقانونی



فکرمی سلام،فیروزان،باشکار،میرکاران،میران

عملیات مخفیانه منطقه آزاد انزلی برای ساخت باغ وحش

با وجود همه این توضیحات، بی‌اطلاعی اداره محیط زیست بندرانزلی و محیط زیست استان گیلان از ساخت یک باغ وحش چندهکتاری همچنان زیر سؤال است. چگونه ممکن است باغ وحشی با این ابعاد در حوزه مدیریتی اداره‌کل حفاظت محیط زیست گیلان و محیط زیست بندرانزلی ساخته شود، اما هیچ‌یک از مسئولان از احداث آن مطلع نشوند؟ در پاسخ به این ابهام، مدیرکل محیط زیست استان گیلان با تأکید بر مخفیانه‌بودن عملیات ساخت‌وساز باغ وحش در بندرانزلی، می‌گوید: «تأکید می‌کنم امکان ندارد در سطح یک شهرستان، ساخت باغ‌وحش به صورت آشکار انجام شود و اداره محیط زیست مطلع نشود اما این پروژه در فضایی کاملاً محصور و در داخل محدوده منطقه آزاد اجرا شده است. شخصاً حداقل ماهی یک بار به منطقه آزاد رفت‌وآمد دارم، اما هرگز داخل این مجموعه قابل مشاهده نبوده است. همه عملیات عمرانی در پشت دیوارهای بلند انجام شده و هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی یا نشانه‌ای از احداث باغ وحش وجود نداشت».

بعد از ساخت باغ وحش تازه به فکر مجوز افتادند

شواهد بیانگر این است که سازمان منطقه آزاد انزلی و مسئول باغ وحش انزلی یعنی «علی شرفی» که در مدیریت باغ وحش صافداشت کارنامه و سابقه تاریکی داشت و تخلفات متعدد این مجموعه منجر به تعطیلی آن باغ وحش در سال ۱۴۰۳ شد، بعد از تکمیل باغ وحش انزلی اقدام به دریافت مجوز از سازمان محیط زیست کرده‌اند.

موضوعی که مدیرکل محیط زیست استان گیلان هم آن را تأیید کرد، می‌گوید: «بر اساس مشاهدات ما، زمانی که درخواست مجوز ارائه شد، مجموعه تقریباً ساخته شده بود، حیوانات به آن منتقل شده بودند و سپس از محیط زیست درخواست مجوز شده بود. وسعت و امکانات مجموعه نیز نشان می‌دهد اجرای آن در مدت سه یا چهار ماه امکان‌پذیر نبوده است». او با اشاره به مدیریت دوگانه در مناطق آزاد این‌طور ادامه می‌دهد: «ساخت‌وساز در محدوده مناطق آزاد بر اساس طرح جامع مصوب انجام می‌شود و دستگاه‌های اجرایی مانند شهرداری یا اداره محیط زیست الزاماً در جریان جزئیات همه پروژه‌ها قرار نمی‌گیرند.

با این حال، انتظار می‌رفت مسئولان منطقه آزاد موضوع را به سازمان حفاظت محیط زیست اطلاع دهند تا فرایند قانونی صدور مجوز طی شود. هرآنچه در این مجموعه ساخته شده، خارج از اطلاع ما بوده است. پس از اطلاع از موضوع، بازدهی‌های کارشناسی آغاز شد و پرونده در دستور کار قرار گرفت. اگر رودتر از روند ساخت مطلع می‌شدیم، قطعاً موضوع به این مرحله نمی‌رسید».

سازمان محیط زیست بارها رسماً اعلام کرده مجوزی برای باغ وحش صادر نمی‌کند، اما حالا شاهدیم که باغ وحشی در بندرانزلی بدون مجوز ساخته و افتتاح شده و حتی برای آن به‌طور هم‌زمان و هماهنگ تبلیغ گسترده می‌شود. این اقدام سازمان منطقه آزاد انزلی عملاً جایگاه قانونی سازمان محیط زیست را زیر سؤال می‌برد. آنچه این روزها در بندرانزلی در حال انجام است، برای سازمان حفاظت محیط زیست بسیار سنگین و آسیب‌زننده است. مسئولان منطقه آزاد انزلی با وجود تماس خبرنگار با آنها تاکنون حاضر به پاسخ‌گویی به سؤالات درباره صدور مجوز غیرقانونی و خودسرانه برای ساخت باغ وحش در بندرانزلی نشده‌اند.

رفع تعهد ارزی، رفع مسئولیت نهادها نیست

جلیل حاجی حسینی

وکیل پایه‌یک دادگستری و کارشناس حقوق اقتصادی

نه‌فقط بین دولت و صادرکننده، بلکه میان دستگاه‌های ناظر بر یکدیگر نیز جریان دارد. نکته مهم‌تر، نسبت میان رقم اعلامی و کلیت پرونده‌های باز است. آمارهای منتشرشده از سوی نهادهای نظارتی نشان می‌دهد میزان تعهدات ارزی ایفاننده در مقیاس میلیاردها یورو برآورد می‌شود؛ در چنین مقیاسی، رفع تعهد چندده میلیون یورویی هرچند مثبت است، اما نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای قضاوت درباره حل مسئله باشد. پخش درخور توجهی از پرونده‌های معوق نیز نه ناشی از سونویت آشکار، بلکه معلول ابهام در فرایندهای اجرایی، تأخیر در تأیید اسناد از سوی بانک مرکزی یا استفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و فاقد اعتبارسنجی است؛ پدیده‌ای که خود بانک مرکزی نیز به آن به عنوان یکی از مشاهای اصلی تعهدات معوق اذعان دارد. اینجاست که «حلقه معقوده تجارت خارجی» ظاهر می‌شود؛ نبود یک چارچوب حقوقی شفاف، یکپارچه و پیش‌بینی‌پذیر که صادرکننده و واردکننده بتوانند از ابتدای معامله، مسیر ابغای تعهد و آثار حقوقی تأخیر یا قصور را به‌روشنی بشناسند. تا زمانی

خبرخوان

تأیید وجود فسفر در بمباران لامرد

ایستنا: معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت از وجود شواهدی درباره استفاده از بمب‌های فسفوری در بمباران لامرد فارس در حملات اخیر دشمن آمریکایی به این شهر خبر داد. شاهین آخوندزاده، با اشاره به بمباران لامرد در استان فارس گفت: «هم‌اکنون شواهدی وجود دارد که بمباران لامرد با فسفر بوده است. تحقیقی انجام گرفته است و امیدواریم بتوانیم این موضوع را در مجامع بین‌المللی منتشر کنیم و مظلومیت افراد غیرنظامی را نشان دهیم، چراکه در این بمباران به یک شهر کوچک حمله شده و در حقیقت افراد غیرنظامی مورد اصابت بمب‌ها و بمبجهایی قرار گرفتند که آغشته به فسفر بود». او افزود: «این تحقیق توسط پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی تهران و با سفارش وزارت بهداشت انجام شده است. مستندات آن آماده شده و مقاله حاصل از آن به‌زودی برای انتشار به نشریات بین‌المللی ارسال می‌شود». آخوندزاده درباره انجام تحقیقات مشابه درباره آثار بمباران در شهرهای دیگر ادامه داد: «تاکنون این تحقیق فقط در استان فارس انجام و مستند شده و مقاله‌اش آماده ارسال به مجامع بین‌المللی است و خوب است که در دنیا ثبت و به عنوان یک جنایت جنگی ارسال شود». او درباره انجام تحقیقات درباره آثار بمباران در شهرهای مختلف فارس بوده است». معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت درباره آثار بمب‌های آغشته به فسفر نیز بیان کرد: «این بمب‌ها اگر باعث مرگ نشوند، سبب م‌زمن‌شدن زخم می‌شوند و افرادی که ترکش‌های کوچک از این نوع بمب به آنها اصابت شده، زخم‌های طولانی‌مدت پیدا کرده‌اند. او درباره صدمات ناشی از این نوع بمباران ادامه داد: «صدمات ناشی از فسفر طولانی‌مدت است، یعنی به‌جای اینکه آن زخم در مدت دو هفته بهبود پیدا کند، ممکن است بهبودی آن سه تا چهار ماه به طول بینجامد و یک زخم مزمن ایجاد کند. مثلاً در استان فارس این نوع بمب موجب شهادت دو نوجوان شد. این بمبچه‌ها به شیوه‌های مختلف عمل می‌کردند، برخی از آنها مجر به نخ‌هایی بودند که با برخورد فرد و ایجاد ارتعاش موجب انفجار می‌شدند و این دو نوجوان نیز به همین شکل به شهادت رسیدند». او افزود: «برخی دیگر نیز در اثر ارتعاشات ایجادشده در زمین منفجر می‌شدند. در مواردی هم افراد، به دلیل ناآشنایی با این نوع بمب‌ها و به دلیل شباهت آنها به قوطی کنسرو، آنها را برمی‌داشتند که در نتیجه منفجر می‌شدند. استفاده از این نوع بمب به‌طور مشخص هدف غیرنظامی داشته و در آن منطقه تعداد زیادی از مردم غیرنظامی را به شهادت رسانده و همچنین باعث صدمات طولانی‌مدت شده است».

هشدار درباره کودک‌بلاگرها

مرکز اطلاع‌رسانی پلیس تهران بزرگ اعلام کرد: «بهره‌گیری ابزاری از کودکان برای جذب مخاطب و کسب درآمد در فضای مجازی، نمی‌تواند تحت عنوان فعالیت هنری یا تبلیغاتی توجیه شود و هرگونه رفتار مرتجعانه توصیه حقوق، آسیب یا سوااستفاده از کودکان، با برخورد قانونی مواجه خواهد شد». پلیس تهران بزرگ با هشدار به گردانندگان صفحات و تولیدکنندگان محتوای فضای مجازی اعلام می‌کند هرگونه بهره‌برداری از کودکان در تولید محتوای آسیب‌زا، انتشار تصاویر نامناسب، ایجاد شرایط نامتعارف برای حضور آنان یا استفاده تجاری و غیرمستولانه از تصاویر کودکان، در صورت احراز تخلف با جرم، با پیگیری پلیس و مراجع قضایی همراه خواهد بود. پلیس تأکید دارد که کودک، ابزار تبلیغات و کسب درآمد نیست و منافع، کرامت و امنیت او باید در هرگونه فعالیت رسانه‌ای و مجازی در اولویت قرار گیرد. از گردانندگان صفحات مجازی و فعالان حوزه تولید محتوا نیز انتظار می‌رود در انتشار تصاویر و ویدئوهای مربوط به کودکان، ملاحظات قانونی، اخلاقی و تربیتی را رعایت کرده و از تبدیل کودکان به ابزاری برای افزایش مخاطب و درآمدزایی پرهیز کنند. همچنین به خانواده‌ها توصیه می‌شود پیش از انتشار تصاویر و اطلاعات مربوط به فرزندان خود در فضای مجازی، نسبت به پیامدهای احتمالی آن دقت و حساسیت بیشتری داشته باشند.